



بررسی راهبرد سیاسی - نظامی فرانسه در اقیانوس هند



فرزاد سطلانی* - دکتر افشین متقی** - دکتر مصطفی محمدجانی***

چکیده

اقیانوس هند با حدود بیست درصد مساحت کره زمین سومین اقیانوس جهان است. این اقیانوس به دلیل داشتن سواحل متراکم از جمعیت، اقتصاد پویا، ارتباطات دریایی گسترده، تنگه‌ها و آبراهه‌های استراتژیک و در کل موقعیت راهبردی منحصر بفرد همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است. در این بین فرانسه نیز به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ دنیا در طول حضور استعماری حضور فعالی در این اقیانوس داشته‌اند. پس از آن نیز رهبران فرانسه برای آنکه به حضور خود در منطقه دریایی تداوم دهند، درصدد طراحی راهبردی جدید برای ادامه حضور در این پهنه آبی برآمده‌اند. در این پژوهش با توجه به جاه طلبی قدرت‌های نوظهور (چین و هند) و وجود چالش‌های مثل تروریسم دریایی به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که نظر به اهمیت راهبردی اقیانوس هند، هدف فرانسه از توسعه مجدد قدرت دریایی خود از طریق سرزمین‌های فرادریایی‌اش در اقیانوس هند چیست؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی طبق اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی و با هدف شناخت راهبرد سیاسی - نظامی فرانسه در اقیانوس هند صورت گرفته است. نتیجه کلی این پژوهش آن است که فرانسه با توجه به اهمیت راهبردی اقیانوس هند درصدد است تا از طریق سرزمین‌های فرادریایی خود در این اقیانوس و با مشارکت در سازمان‌های منطقه‌ای بخصوص اتحادیه همکاری‌های کشورهای حاشیه اقیانوس هند به حفظ و گسترش نفوذ سیاسی - نظامی خود در راستای کسب منافع حداکثری برای کشورش اقدام کند.

کلیدواژگان

اقیانوس هند، اتحادیه همکاری‌های کشورهای حاشیه اقیانوس هند، فرانسه، حضور نظامی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات فرانسه - دانشگاه اصفهان - اصفهان. / ایمیل: farzadsoltani1990@yahoo.com

** نویسنده مسئول، دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی - تهران. / ایمیل: a.mottaghi@khu.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی - دانشگاه خوارزمی - تهران. / ایمیل: mostafamohamad2@yahoo.com

مقدمه

از آغاز عصر کاوش، اروپایی‌ها اقیانوس هند را عرصه‌ای برای ماجراجویی‌ها و ثروت‌اندوزی قلمداد می‌کردند. در سده‌های قبلی، از منظر اروپایی‌ها این اقیانوس بعنوان یک شبکه تجاری متراکم و پیچیده برای کشورهای اروپایی محسوب می‌شد. اما اهمیت این مسیر دریایی در تجارت دریایی به گذشته خلاصه نمی‌شود، بلکه امروزه نیز این اقیانوس اهمیت خود را همچنان در تجارت بین‌قاره‌ای حفظ کرده و در مرکز سیستم ارتباط جهانی قرار گرفته است؛ که با توجه به همین اهمیت راهبردی‌اش در جغرافیای سیاسی جهان، از آن می‌توان به عنوان «قلب نظام جهانی» (Beaujard, 2012: 15) یاد کرد.

در حال حاضر، بیشتر کالاهای تولیدی یا مواد خام، ۲۱٪ نفت خام و نیمی از کشتی‌ها باربری (کشتی کانتینری) در این اقیانوس تردد می‌کنند. از این رو کارشناسان غربی معتقدند با توجه به اینکه بخش مهمی از منافع کشورهای اروپایی در اقیانوس هند قرار دارد، در نتیجه «امنیت اقتصاد جهانی با نحوه حضور بازیگران مختلف در اقیانوس هند ارتباط تنگاتنگی پیدا نموده است» (Bezamat-Mantes, 2014: 3-4). از طرفی دیگر، این اقیانوس راه ورود به هفت دریای مهم جهانی و چهار تنگه راهبردی جهان یعنی هرمز، باب‌المندب، ملاکا، و سوئز است. لذا با تفاسیری که صورت گرفت آیا با توجه به اهمیت این اقیانوس، آیا کشوری وجود دارد که قصد افزایش حضور و نفوذ خود بر این اقیانوس را در سر نپروراند؟ از این رو، در چند قرن اخیر فرانسه که یکی از قدرت‌های بزرگ دریایی محسوب می‌شود، از این قاعده نیز مستثنی نبوده است. این کشور از اواخر قرن شانزدهم تا قرن هیجدهم میلادی با حضور در اقیانوس هند، توانست سرزمین‌های زیادی را اکتشاف یا تصرف کند. البته امروزه از میان آن همه متصرفات، تنها بخشی از این سرزمین‌ها تحت سیطره فرانسه قرار دارند، چرا که پایان جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل سرآغاز استقلال طلبی و استعمارزدایی در سراسر جهان بوده است که در این بین تعدادی از سرزمین‌های تحت استعمار فرانسه استقلال یافتند. در همین راستا، امروزه دولت‌ها طبق شاخص‌بندی جدید به سه گروه دولت ضعیف پسا استعماری، دولت مدرن و دولت پسا مدرن تقسیم می‌شوند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۴۵۴). با توجه به این شاخص‌بندی، کشورهای

^۱ - عصر کاوش به دوره ای از تاریخ گفته می‌شود که از قرن پانزده آغاز و تا قرن هفده ادامه می‌یابد و طی آن اروپاییان از راه اقیانوس‌ها، به جهت جستجوی کالاها یا شرکای تجاری، سرزمین‌های جهان را جستجو و کشف می‌کنند.

^۲ - طبق این شاخص‌بندی دولت‌های ضعیف پسا استعماری دارای ویژگی‌های همچون عدم اقتصاد کارآمد، عدم انسجام اجتماعی و فساد و عدم کارآیی در ساختارهای نهادی و اداری می‌باشد. در همین راستا، گروه دیگر از دولت‌ها یعنی دولت‌های مدرن دارای ویژگی اقتصادی مجزا و خود اتکا، انسجام و پیوستگی بین دولت و ملت و

حاشیه اقیانوس هند و سرزمین‌های که جزء مستعمره‌های سابق فرانسه در این اقیانوس هستند در دو شاخص دولت‌های ضعیف پسا استعماری و دولت‌های مدن قرار می‌گیرند. در نتیجه، وجود ناکارآمدی در دولت‌ها ضعیف پسا استعماری باعث شده است تا فرصت برای فرانسه (پسا مدرن) جهت نفوذ یا باز پس‌گیری این سرزمین‌ها فراهم گردد. از طرفی دیگر، با توجه به این که کشورهای مدرن مثل آفریقای جنوبی در حال توسعه اقتصادی هستند، فرانسه همکاری‌های اقتصادی را ابزاری برای وابستگی این کشورها در دستور کار خود قرار داده است. همچنین، گسترش پدیده تروریسم دریایی و مفهوم «معمای امنیت» (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۴۵۹)، سبب شده تا دولت‌های ضعیف و مدرن نیازمند پشتیبانی و همکاری با دولت‌های پسا مدرن گردند که این امر سبب شده تا بهانه کافی برای فرانسه به منظور حضور در منطقه و ایجاد یک وابستگی نظامی از طرف کشورهای حاشیه اقیانوس هند به فرانسه هر چه بیشتر فراهم گردد. البته، در طی دهه‌ی اخیر با توجه به اهمیت روز افزون اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند^۱ از یک طرف و وجود تنش‌ها بین آمریکا، چین، هند، پاکستان و تعارض منافع سایر کشورهای حاشیه اقیانوس هند از طرف دیگر، می‌توان به نتیجه رسید که فرانسه موقعیت نفوذ بهتری در این اقیانوس راهبردی پیدا کند.

از این رو با توجه به اهمیت اقیانوس هند نزد بازیگران و قدرت‌های بزرگ جهانی و بویژه فرانسه، سؤال اصلی این پژوهش آن است که نظر به اهمیت راهبردی اقیانوس هند، هدف فرانسه از توسعه مجدد قدرت دریایی خود از طریق سرزمین‌های فرادریایی‌اش در این اقیانوس چیست؟ از این رو، ما در این پژوهش در پی آن هستیم که راهبرد فرانسه را با توجه به چالش‌های تازه در اقیانوس هند را مورد مطالعه قرار دهیم. در این بین، روی آوردن کشورهای آفریقای به پروژهای اقتصاد آبی^۲ و قدرت‌طلبی فرانسه از این فرصت، افزایش ناامنی‌های دریایی در اقیانوس هند و ظهور قدرت‌های جدید مثل هند و چین که به احتمال زیاد قدرت فرانسه در این اقیانوس را به

دارای یک سیستم متمرکز دموکراتیک مبتنی بر ساختار اداری هستند. اما گروه سوم، را دولت‌های پسا مدرن می‌نامند که دارای یک حاکمیت به هم پیوسته چند وجهی که در پاره‌ای از حوزه‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند، اقتصادی با همگرایی عمیق و در این گروه از دولت‌ها وفاداری جمعی نسبت به دولت جدا می‌شود (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۴۵۴-۴۶۲).

^۱ - Indian-Ocean Rim Association

^۲ - اقتصاد آبی به عنوان یک فلسفه جدید اقتصادی توسط پروفیسور گونتر پاولی معرفی شد. در سال ۱۹۹۴، UN از او خواست تا بر روی مدل‌های تجارت آینده بررسی نماید که این تحقیق به بیش از ۱۸۰ طرح محسوس مبدل گشت. قدرت اقتصاد آبی در تزریق مجدد ثروت بدست آمده از فرآیندهای موجود به اقتصاد محلی است. در هر فضای کسب و کاری که استفاده شود، اقتصاد آبی از منابع موجود محلی در جهت اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و در عین حال حفظ محیط زیست بهره می‌برد.

چالش خواهد کشید، باعث شده است که پاریس درصدد تقویت ظرفیت‌های حضور خود در منطقه برآید.

۱- پیشینه پژوهش

هر چند در حوزه اقیانوس هند در مورد نقش بازیگران منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و رقابت‌های موجود بین این بازیگران، نقش کانال‌ها و تنگه‌های موجود در کرانه‌های ساحلی و نقش آنها در آینده تحولات بشری و ... مقالات و مطالب علمی بسیاری انتشار یافته است، با این وجود تفاوت اصلی پژوهش پیش رو با موارد ذکر شده را باید در بررسی ویژه و اختصاصی راهبرد سیاسی_نظامی فرانسه در اقیانوس هند عنوان کرد. به عبارتی دیگر در پژوهش‌های گذشته بیشتر نقش ترکیبی قدرت‌ها در این عرصه آبی مورد توجه پژوهشگران بوده، ولی در این پژوهش تمرکز اصلی بر کشور فرانسه و آنهم نه با نگاه به گذشته بلکه بر تبیین چشم انداز حضور این کشور در اقیانوس هند استوار گردیده است.

از مهمترین پژوهش‌های مرتبطی که در این حوزه در سال‌های قبل انتشار یافته می‌توان به «استراتژی فرانسه در اقیانوس هند و ظرفیت‌های همکاری بین‌المللی»^۱ به قلم ایزابل سن میزارد^۲ توسط موسسه مطالعات بین الملل^۳ واقع در سنگاپور که در سال ۲۰۱۵ انتشار یافت اشاره نمود (Saint-Mézard, 2015: 3-12). در این پژوهش به منافع استراتژیک فرانسه در منطقه اقیانوس هند، همکاری استراتژیک فرصت‌ساز فرانسه با هند و نحوه تعامل هند و فرانسه برای ایجاد امنیت در اقیانوس هند اشاره شده است.

از پژوهش‌های دیگر در این ارتباط می‌توان به پژوهشی با عنوان «پشت پرده افزایش فعالیت دریایی هند و فرانسه در ایندوپاسفیک چیست؟» به قلم راجسوری پیلای راجاگوپالان^۴ که در مارس ۲۰۲۰ در سایت معتبر انگلیسی دیپلمات انتشار یافته اشاره نمود (Rajagopalan, 2020). در این پژوهش نویسنده در تلاش است تا به رویکرد عملگرایانه هند در همکاری گسترده با قدرت‌های برتر دریایی جهان بویژه فرانسه برای مقابله با تهدیدات حضور چین در اقیانوس هند و منطقه مجاور این کشور اشاره نماید.

اثر دیگر در این حوزه یک پژوهشی با زبان فرانسوی با عنوان «حضور نظامی فرانسه و

^۱ - The French Strategy in the Indian Ocean and The Potential for Indofrench Cooperation

^۲ - Sabelle Saint-Mézard

^۳ - S. Rajaratnam school of International Studies (RSIS)

^۴ - Rajeswari Pillai Rajagopalan

استراتژی دفاعی در غرب اقیانوس هند» است. این مقاله توسط ماری تیل ادر آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی در مجله مرکز مطالعات نیروی دریای فرانسه به چاپ رسیده است (Tyl, 2013: 1-14). نویسنده در این مقاله در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که فرانسه با حضور نظامی اش در اقیانوس هند و با تاکیدى که بر داشتن پایگاه‌های نظامی دائم در منطقه دارد، در پی دستیابی به چه اهدافی است؟ نویسنده مقاله در پایان پژوهش مذکور این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که هرچند فرانسه با شعار مبارزه با پدیده تروریسم دریایی، مبارزه با دزدان دریایی و برقراری امنیت مجدداً خواهان حضور گسترده تر در منطقه شده، اما راهبرد اصلی فرانسه در منطقه افزایش نفوذ قدرت خود به منظور حفظ منافع ملی اش در منطقه خلیج فارس است. و بلاخره به عنوان آخرین اثر مرتبط با این پژوهش می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «ردپای استراتژیک فرانسه در اقیانوس هند»^۱ به قلم جودی دمپسی^۲ اشاره داشت (Dempsey, 2019)، که توسط موسسه کارنگی اروپا انتشار یافته است. نویسنده در این مقاله در پی القای این مطلب است که همانطور که چین با قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی خود مدعی گسترش حضور خود در سرتاسر جهان و بویژه اروپاست کشورهای اروپایی نیز به رهبری فرانسه باید با تعمیق روابط خود با هند و سایر کشورهای منطقه، موازنه قدرت در این حوزه و جهان را مجدداً برقرار نموده و حفظ کنند.

۲- چارچوب نظری

سر هالفورد مکیندر^۳ (۱۸۶۱-۱۹۴۷) را باید معروفترین «بنیانگذار ژئوپلیتیک سنتی قلمداد کرد که بر قدرت خشکی» تاکید داشت. او معتقد بود که «جزیره جهانی یعنی خشکی‌های جهان منهای قاره آمریکا دو سوم کره خاکی و آمریکا یک سوم بقیه را به خود» اختصاص داده است. از نظر وی کلید «جزیره جهانی ناحیه محور یا هارتلند می‌باشد که منطقه‌ای بین فلات ایران تا سبیری غربی» (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰) را در بر می‌گرفت. پس از او اسپایکمن^۴ (۱۸۹۳-۱۹۴۳) با تاکید بیشتر بر «حوزه دریا در منطقه ریملند یا حاشیه قاره ای، قدرت دریا را به عنوان کلید استراتژی جهانی» (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۴) مورد توجه قرار داد. اما در بین نظریه پردازها شخصی که به صورت مستقیم بر «تنوریزه کردن قدرت دریایی اقدام نمود آلفرد ماهان» (۱۹۱۴-۱۸۴۰) بود که در این ارتباط

¹ - Marie Tyl

² - France's Strategic Footprint in the Indian Ocean

³ - Judy Dempsey

⁴ - Carnegie Europe

⁵ - Sir Halford Mackinder

⁶ - Nicholas Spykman

می‌توان به کتاب او «تاثیر قدرت دریایی بر انقلاب و امپراطوری فرانسه» (عزتی، ۱۳۸۰: ۵۳) اشاره کرد.

ماهان معتقد بود که قدرت‌های اقیانوسی همیشه دست بالا را خواهند داشت. در مقایسه قدرت دریایی و خشکی، ماهان «قدرت خشکی را محاصره شده از سوی یک قدرت دریایی» تصور می‌کرد. ماهان معتقد بود که «انگلیس بعنوان یک کشور دریایی از چنین امکانی برخوردار بود. آمریکا نیز می‌توانست قدرت دریایی برتر باشد زیرا از موقعیت جغرافیایی امنی برخوردار است و به دو اقیانوس راه دارد و از دسترس سایر کشورهای بزرگ دور است ولی می‌بایست جزایر هاوایی را در کنترل خود گیرد و کانال پاناما را نیز احداث کند». ماهان برای تبدیل شدن یک کشور به قدرت دریایی عواملی از جمله «موقعیت جغرافیایی مناسب» (مجاورت یک کشور با یک یا چند دریا برای دسترسی آسان به حمل و نقل، کنترل راه‌های استراتژیک و پایگاه‌ها و غیره)، «وضعیت طبیعی مناسب ساحلی»، «گسترش مناسب ساحل» (باعث تماس بیشتر کشور با آب‌ها شده و دسترسی را افزایش می‌دهد ولی سواحل قابل دفاع و قابل بهره‌برداری اهمیت دارند)، «شمار جمعیت زیاد، شخصیت ملی و فرهنگ دریایی» (وجود روحیه دریانوردی، علاقه به توسعه روابط با سایر ملل و تجارت گسترده و صلح آمیز) و «وضع سیاسی دولت» (کیفیت نظام سیاسی و دولت در توجه به قدرت دریایی، بهره‌برداری از جمعیت، منابع و فرصت‌های موجود) را ضروری می‌دانست (اعظمی و فرشته‌منش، ۱۳۹۱: ۴-۳) و (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

اما چرا کشورها تمایل دارند تا قدرت دریایی خود را افزایش دهند در این زمینه باید اشاره داشت که در زمان جنگ، ناوگان تجارتي و نیروی دریایی، وابستگی بسیاری به یکدیگر دارند، زیرا ناوگان جنگی خطوط ارتباطی و مواصلاتی خود را حمایت می‌نماید و در صورت نیاز، به خطوط دشمن رخنه می‌کند و ناوگان تجارتي در پناه قدرت آنان، آذوقه و تدارکات جنگی سربازان و جنگاوران خود را در سرزمین دشمن، تأمین می‌نمایند. در واقع بستن خطوط مواصلاتی دشمن و تأمین آزادی عمل در خطوط مواصلاتی خودی از مهمترین دلایل حضور قدرت‌ها در اقیانوس‌ها و دریاهای قلمداد می‌گردد.

بر اساس آنچه بیان شد فرانسه نیز به عنوان یک قدرت دریایی از این قاعده و نظریه مستثنی نیست. البته این کشور در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف با کاهش توان دریایی روبرو شده که با توجه به تغییر نظام بین‌الملل در دهه میلادی اخیر و حاکم شدن نظم بین‌الملل در عرصه جهانی شاهد آن هستیم که این کشور با اتکا به سرزمین‌های فراساحلی خود در اقیانوس هند مبتنی بر

¹ - The Influence of Sea Power upon the French Revolution and Empire

نظریه قدرت دریایی و با استفاده از روش «روایت استراتژیک»^۱ در فکر بازآفرینی قدرت دریایی خود در منطقه اقیانوس هند می‌باشد.

روایت استراتژیک، «ابزاری برای درک قدرت نرم محسوب می‌شود» (Van Noort, 2019: ۳). مفهوم قدرت نرم را برای اولین بار جوزف نای^۲ در سال ۱۹۹۰ میلادی بکار برد. نای معتقد بود که «قدرت نرم به توانایی اطلاق می‌شود که بتواند وضعیتی را فراهم کند که سایر دولت‌ها اولویت‌ها و منافع خود را به شیوه‌های تعریف کنند که منافع ملی دولت دارای قدرت نرم را تأمین کنند» (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۴۸۹). امروزه بکارگیری روش روایت استراتژیک شیوه‌ای از استدلال بازیگران سیاسی با «هدف ایجاد یک معنی مشترک از گذشته، حال و آینده در بیان سیاست‌های بین‌المللی است که در پی آن به رفتار بازیگران ملی و بین‌المللی نقش می‌دهد». در واقع روایت از نقطه نظر استراتژیک بر مفهوم تأکید دارد که «چگونه زبان برای ساخت معنا با هدف ایجاد روش‌های برای ذینفعان سازمانی بکار می‌رود تا یک گفتمان جهت درک و تأثیرگذاری بر اقدامات دیگران ایجاد گردد». به طور کلی با تعریفی که در ابتدا از قدرت نرم و همچنین تعریفی که از مفهوم روایت استراتژی شد، می‌توان گفت «روایت استراتژیک همان قدرت نرم در قرن ۲۱ است» (Van Noort, 2019: 2-4).

فرانسه در راستای بکارگیری این روش در آغاز سال ۲۰۱۷، وزارت دفاع فرانسه صریحاً در مورد راهبرد این کشور نسبت به اقیانوس هند اشاره می‌کند که «مرکز ثقل استراتژیک فرانسه تعادل بخشیدن به حضورش در این منطقه است»؛ پس از آن در سال (۲۰۱۸) در سند چشم انداز امنیت ملی فرانسه در اقیانوس هند و اقیانوس آرام، بیان شده است که فرانسه با توجه به «مسئولیت‌های امنیتی خود به عنوان یک قدرت در اقیانوس هند و اقیانوس آرام به این دو منطقه توجه ویژه خواهد داشت» (Ministère des Armées, 2019: 2). علاوه بر این، وزارت دفاع این کشور در سال ۲۰۱۹، مقاله‌ای در خصوص راهبرد این کشور در این دو اقیانوس منتشر کرد که در آن ذکر شده است: فرانسه «در اقیانوس هند و اقیانوس آرام، یک قدرت حاکمیتی است، جایی که

^۱ بازیگران بزرگ از طریق بکارگیری این راهبرد در دراز مدت، درصدد هستند با مفهوم سازی علایق خود برای مردمان دیگر کشورها و تغییر حقایق، علایق، هویت و درک آن افراد، به شکل دهی تفکر آنها متناسب با راهبردهای استراتژیک خود اقدام کنند. (روایت استراتژیک = جنگ شناختی). در واقع با بکارگیری این استراتژی، قدرت‌های بزرگ با نقل کردن امور بین‌الملل متناسب با منافع خود برای افکار عمومی در تلاش هستند تا سایر بازیگران را در درک مسیر رویدادها و موانعی که با آنها روبرو هستند، تحت تأثیر قرار دهند. لذا در این راهبرد، سردمداران کشورهای قدرتمند می‌توانند با یافتن روایت همسو برای تقویت همکاری و احساس سرنوشت مشترک تلاش کنند؛ که در نتیجه آنها این روایت‌ها را بعنوان یک ابزار جهت بهره‌وری بیشتر در یک موقعیت و منطقه استفاده نمایند (Miskimmon & al., 2015: 341).

^۲ - Joseph Nye

با حضور نظامی دائمی، سهم بسزایی در صلح و امنیت این مناطق ایفا می‌کند» (Ministère des Armées, 2019: 1-4). از طرفی دیگر، امانوئل مکرون رئیس‌جمهور کنونی فرانسه در سخنرانی که در شهر نومئا، پایتخت جزیره کالدونیای جدید (از سرزمین‌های فرا دریایی فرانسه در اقیانوس آرام) داشت، اذعان می‌کند که «فرانسه یک قدرت بزرگ در اقیانوس هند و اقیانوس آرام است» (La site d'elysee, 2018) با توجه به اهمیت این موضوع و تلاش فرانسه برای قدرت‌نمایی مجدد در عرصه اقیانوسی، در ادامه نظریه قدرت دریایی ماهان و شیوه منحصر به فرد فرانسه در استفاده از روش روایت استراتژیک، را به منظور سیطره مجدد بر اقیانوس هند مورد توجه قرار می‌دهیم.

۳- تاریخچه حضور فرانسه در اقیانوس هند

پس از کشف قاره آمریکا در قرن ۱۵ میلادی، وسوسه اکتشاف سرزمین‌های جدید (به ویژه در شرق) در بین کشورهای استعمارگر اروپایی (اسپانیا، پرتغال، بریتانیا، فرانسه و هلند) پدیدار شد. در همین راستا، نیروی دریایی این کشورها عازم سرزمین‌های شرقی شده و اقدام به اکتشاف و تصرف جزایر و سرزمین‌های دور دست بویژه در اقیانوس هند نمودند. این دست‌آوردها تا قرن‌ها مورد استعمار این کشورهای اروپایی قرار گرفت. در آن زمان، فرانسه برای آنکه در این زمینه از رقبای خود یعنی بریتانیا و هلند در این منطقه دریایی عقب نیفتد، «در سال ۱۶۶۴ کمپانی هند شرقی فرانسه» (Lecuyer et Vaillant, 2014: 6) را تاسیس کرد. در نهایت، پاریس با جاه‌طلبی‌های که در اقیانوس هند داشت، «توانست جایگزین استعمارگر دیرینه اروپا یعنی پرتغال شود»^۱ (که قدرتش رو به افول بود) و برای تسخیر سرزمین‌های مستقر در اقیانوس هند یا حاشیه این اقیانوس با بریتانیا و هلند به رقابت پردازد (New World Encyclopedia, 2019). در پی این حضور، فرانسه توانست سرزمین‌های زیادی را در اقیانوس هند و حتی در اقیانوس آرام تصرف کند که از آن جمله می‌توان به تصرف سرزمین‌های از قبیل «ماداگاسکار، کومور، رئونیون، شهرهای چند دیگر و پوندیچری (هم اکنون جزو قلمرو هند هستند)، جزیره مایوت، شهر اوپوک (هم اکنون متعلق به جیبوتی است)، سیشل، موریس، والیس، فوتونا، پلی نزی فرانسه، جزیره کلپرتون، کالدونیای جدید»^۲ (Ministère des Armées, 2019: 2) و ... اشاره داشت.

بعد از جنگ جهانی دوم با «از بین رفتن کمپانی‌های استعمارگر هند شرقی، آغاز هژمونی

^۱ - French East India Company

^۲ - پرتغال با جهانگرد معروف واسکو دا گاما (Vasco da Gama) اولین کشوری بود که در ابتدایی دهه‌های اول قرن ۱۶ استعمارگری خود را در اقیانوس هند آغاز کرد.

^۳ - Madagascar, Comores, la Réunion, Mayotte, Chandernagor, Pondicherry, Obock, Seychelles, Mauritius, Wallis, Futuna, la Polynésie française, Clipperton and Nouvelle Calédonie,

آمریکا و تضعیف اروپا» (Tyl, 2013: 7)، شرایطی را سبب شد تا دومینوی استقلال طلبی سرزمین‌های تحت استعمار آغاز گردد. در این میان، فرانسه نیز همانند سایر کشورهای اروپایی تعدادی از سرزمین‌هایی که در اقیانوس هند قرن‌ها پیش تصرف کرده بود را از دست داد (می‌توان به سرزمین‌های چندنگر، یاناون، ماهه، پوندیچری، کارایکل، جیبوتی و ... اشاره کرد). اما با این وجود سرزمین‌های دیگر همچنان جزء متصرفات این کشور باقی ماند.

امروزه، بعد از چندین دهه از استقلال طلبی‌ها، معماری اقیانوس هند بسیار تحول یافته است و بازیگرانی همچون هند و چین با دارا بودن زرادخانه‌های هسته‌ای و میزان جمعیت زیاد، توانایی تأثیرگذاری زیادی را در حوزه اقیانوس هند و عرصه‌های بین‌المللی را کسب نموده‌اند. از طرفی دیگر، این منطقه هنوز هم به همان اندازه گذشته مورد توجه اروپایی‌ها بویژه رهبران فرانسه است. در واقع، همان‌طور که اشاره شد، اقتصاد اروپا وابسته به مسیرهای دریایی و تنگه‌های موجود در اقیانوس هند است. بنابراین فرانسه هرچند بعد از جنگ جهانی سرزمین‌هایی را در این اقیانوس از دست داده ولی هنوز دارای سرزمین‌های ماوراء بحار زیادی در این حوزه اقیانوسی است. سرزمین‌هایی که حدوداً ۱/۶ میلیون شهروند فرانسوی را در خود جای داده‌اند. به طور کلی، امروزه سردمداران فرانسه با داشتن این سرزمین‌های فرا دریایی در اقیانوس هند و داشتن شهروندانی در این سرزمین‌ها در صدد هستند تا با نقش آفرینی و حضور نظامی از طریق مشارکت و همکاری با کشورهای واقع در این اقیانوس، همچنان بعد از چندین قرن از حضور خود در این عرصه آبی به محافظت خود از سرزمین‌های فرا دریایی‌شان ادامه دهند.

۴- راهبرد نظامی فرانسه در اقیانوس هند

همان‌طور که روشن است، معنای ژئوپلیتیک اقیانوس‌ها از یک طرف به حضور قدرت‌های بزرگ و تعاملات که این قدرت‌ها با هم در این جغرافیا دارند و از طرفی دیگر به تأثیرپذیری جغرافیای کشورهای ساحلی مستقر در این اقیانوس در حوزه‌های راهبردی، سیاسی و اقتصادی را اشاره دارد. با این تعریف، اقیانوس هند به دلایل مختلفی برای فرانسه اهمیت زیادی دارد. اولاً، با حفظ چند قلمرو جزیره در این اقیانوس راهبردی، پاریس از حقوق دریایی ویژه و فرآورده‌های دریایی از این اقیانوس بهره‌مند خواهد بود. ثانیاً، موقعیت راهبردی این اقیانوس در مسیر دریایی بین چین و اروپا از دیگر مزایای حضور در این عرصه آبی برای فرانسه محسوب می‌گردد. البته در کنار این موارد، حضور پاریس در این مسیر برای پاسخگویی به نیازهای انرژی اروپا، که هنوز هم به شدت به نفت و گاز وارداتی از منطقه (بویژه خلیج فارس) وابستگی دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

¹ - Chandernagor, Yanaon, Mahé, Pondicherry, Karikal

از طرفی دیگر، افزایش تقاضای جهانی نفت از سوی کشورهای مانند «هند، چین و آفریقای جنوبی که به دلیل رشد صنعت و فعالیت‌های دریایی آنها»، باعث شده تا فرانسه به منظور ایجاد امنیت برای واردات نفت خام به اروپا در این اقیانوس حضور مستمر داشته باشد. همچنین، با توجه به نرخ رشد اقتصادی کشورهای نوظهور، و تلاش «آنها برای ایجاد نفوذ و گسترش روابط با کشورهای واقع در اقیانوس هند» و به نوعی تقویت حضور این کشورها در سرزمین‌های تحت نفوذ فرانسه بخصوص کشورهای آفریقایی (Numa, 2018: 2-4) سبب شده تا فرانسه حضور در این اقیانوس را پررنگ‌تر نماید. لذا فرانسه برای از بین بردن نفوذ و تاثیر گذاری در امور کشورهای تحت الحمایه خود درصدد توسعه و حفظ روابط دیپلماتیک با کشورهای آفریقایی در کنار حضور در سایر نقاط اقیانوس هند برآمده است.

نقشه شماره ۱: مسیرهای اصلی حمل و نقل نفتکش‌ها (فلش)، خلیج‌های راهبردی در اقیانوس هند (دایره آبی رنگ)، وجود تنش و درگیری (ستاره قرمز) و کشورهای حاشیه اقیانوس هند (کرم‌رنگ).



Source: (Lorgeoux & Trillard, 2012: 38)

با وجود چالش‌های جدید که در آفریقا و اقیانوس هند گریبانگیر فرانسه شده است، باید اضافه کرد که در طی سال‌های اخیر پاریس برای مقابله با این تهدیدات دست به اقداماتی زده است.

رهبران فرانسه برای باز پس گیری سرزمین‌های مورد استعمار خود در اقیانوس هند که در نیمه دوم قرن ۲۰ از فرانسه استقلال پیدا کرده‌اند، تلاش بسیاری نموده است. در این راستا فرانسه با برگزاری همه‌پرسی در بین مردم جزایری رئونین و مایوت، این جزایر را به نواحی ۱۸ گانه خود الحاق کرد. در واقع، رهبران سیاسی فرانسه با دستیابی به این جزایر و با ایجاد پایگاه نظامی در مستعمرات سابق خود جیبوتی و ماداگاسکار، در تلاش هستند نفوذ خود را همچنان در جنوب این اقیانوس حفظ نمایند چرا که با « توجه به اهمیت راهبردی این جزایر نظارت کامل بر کانال موزامبیک » برای فرانسه ایجاد خواهد شد (Gautreau, 2018). علاوه بر این هدف فرانسه با بهرمندی از تعدادی جزایر در جنوب اقیانوس هند سعی بر آن دارد تا مدیریت آسان‌تری در قطب جنوب در راستای منافع ملی خود ایجاد کند.

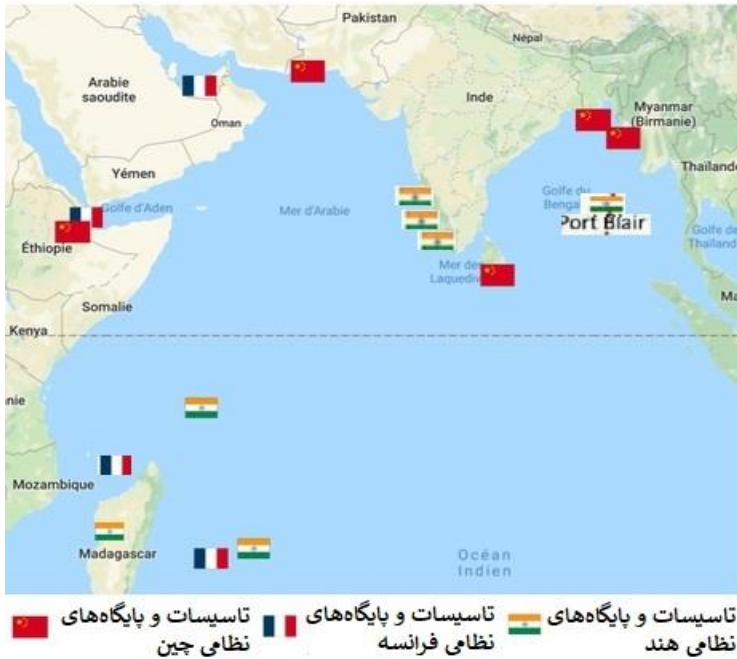
چالش دیگر که پاریس در این منطقه دریایی با آن مواجه است بحث رشد ناامنی دریایی است. روشن است که ناوبری اولویت فرانسه در اقیانوس هند می‌باشد؛ در نتیجه، اکثر فعالیت‌های نظامی پاریس در جهت ایجاد امنیت و مبارزه با این چالش پایه‌گذاری شده است. پیامدهای این راهبرد فرانسه برای منطقه ایجاد پایگاه‌های نظامی در اقیانوس هند است. در چارچوب همین راهبرد امنیتی، فرانسه پایگاه‌های را در مناطق تحت نفوذ خود ایجاد کرده است که برای مثال می‌توان به پایگاه پوانت دگالتس^۱ در رئونین اشاره داشت. در این « پایگاه دریایی قایق‌های گشتی و کشتی‌های گشت ساحلی و از جمله یک ناومحافظ » استقرار یافته است. همچنین، فرانسه در جزیره مایوت یک « گشت واکنش سریع دریایی به نام لژیون خارجی آمستقر نموده است. این واحدهای نظامی وظیفه نظارت و ایجاد امنیت در کانال موزامبیک را بر عهده داشته و مهارت‌های نظامی ضروری را به کشورهای آفریقایی مانند ماداگاسکار آموزش می‌دهند» (Beyrand, 2018).

علاوه بر این، فرانسه دارای نیروهای نظامی در مستعمرات سابق خود مانند جیبوتی است. با توجه به ژئوپلیتیک کشور جیبوتی، این پایگاه دریایی از اهمیت بالایی برای فرانسه برخوردار است، چرا که با استفاده از این پایگاه فرانسه به راحتی امنیت مسیر ناوگان‌های دریایی از شرق آسیا که از تنگه باب المندب و کانال سوئز می‌گذرد را تضمین می‌کند. بنابراین این پایگاه فرانسه به همراه « پایگاه کمپ صلح در امارات » (سهیلی‌نجف آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۹) و پایگاه سومالی پایگاه حساس برای فرانسه « برای پیشبرد اهداف‌اش در اقیانوس هند و بخصوص غرب آسیا » (Tyl, 2013: 8-12) محسوب می‌شود.

^۱ - The Naval base of Pointe des Galets on Reunion

^۲ - Foreign Legion

نقشه شماره ۲: گسترش پایگاه‌های دریایی فرانسه، هند، چین در اقیانوس هند



Source: (Beyrand, 2018)

به طور کلی، مقامات فرانسوی حضور نظامی خود در اقیانوس هند را با دو استدلال توجیه می‌کنند. اولین دلیل حضور آنها بخاطر وجود دزدی دریایی و فعالیت‌های غیر قانونی در دریاهاست که نیروهای نظامی فرانسه برای برخورد با هر گونه عامل بی‌ثبات کننده در مسیرهای دریایی و همچنین برای جلوگیری صید بی رویه و شیوه‌های غیر قانونی ماهیگیری در مناطق انحصاری اقتصادی مجبور می‌کنند تا حضور فعالی در منطقه داشته باشد. دومین استدلال فرانسوی‌ها از علت حضور نظامی‌شان در سومین اقیانوس بزرگ دنیا، این است که پاریس معتقد است در این اقیانوس دارای سرزمین‌های است که سایر کشورها ادعای واهی بر مالکیت بر این سرزمین‌ها دارند، در نتیجه حضور نظامی عامل بازدارنده در ایجاد هر گونه تنش شده و علاوه بر آن توانایی اداره این سرزمین‌های فرادریایی را برای فرانسه نیز آسان‌تر می‌نماید.

فرانسه در راستای اولین استدلال، در سال ۲۰۰۷ به نیروی دریایی خود به منظور محافظت از کشتی‌های تجاری‌اش برای مقابله با دزدان دریایی در منطقه ماموریت داد. البته، در کنار این اقدام، شرکت‌های تجاری فرانسه موظف گردیدند که محصولات صادراتی خود را به سازمان

ناوگان دریایی فرانسه اعلام کنند تا کالاهای کشتی‌هایی که از اهمیت بالایی برخوردار بودند با دقت بیشتری محافظت شوند. در ادامه، در سال ۲۰۰۹ فرانسه «طرحی به نام سلول امنیت دریایی»^۱ را در شاخ آفریقا طراحی و اجرا کرد. در این طرح تمامی کشتی‌های تجاری دنیا که قصد عبور از این منطقه پر خطر داشتند، می‌توانستند با مراجعه به وب‌سایت معرفی شده اطلاعات خود را جهت محافظت کردن توسط نیروی دریایی فرانسه در آنجا درج کنند. البته در این مدت، مقامات فرانسه برای آماده‌سازی نیروهای نظامی خود به منظور مقابله با دزدان دریایی رزمایش‌های را با سایر کشورها در اقیانوس هند برگزار نمودند که برای مثال می‌توان به رزمایش آتالانتا در سال ۲۰۰۸ اشاره داشت، که در آن نیروی دریایی فرانسه با «مشارکت کشورهای اروپایی در سواحل سومالی تمرین‌های نظامی برای مبارزه با دزدان دریایی» برگزار کرد (Roger-Lacan, 2012: 118). پس از آن و در طی دهه‌ی سپری شده، این رزمایش‌های نظامی توسط نیروی دریایی فرانسه با سایر کشورهای با چنین هدفی صورت پذیرفته است که آخرین رزمایش این کشور با «نیروی دریای هند در اردیبهشت ۱۳۹۸ (۱۰ می ۲۰۱۹) عملیاتی گردیده» و اجرا شد (Lagneau, 2019).

آنچه که در خصوص این رزمایش‌ها حائز اهمیت می‌باشد آن است که انجام این رزمایش‌ها هر چند مورد حمایت شورای امنیت سازمان ملل متحد است، ولی تاکنون این «سازمان هیچ قانونی برای نحوه برخورد با دزدان دریایی دستگیر شده وضع نکرده است و هر کشوری مطابق با قوانین داخلی خود با آنها رفتار می‌کند» (کاظمی و میرحیدری، ۱۳۹۸: ۵۵-۵۴).

اما در راستای استدلال دوم فرانسه در مورد علت حضورش در اقیانوس هند می‌توان به مناقشه موجود بر سر مجمع جزایر ایل-پارس^۲ که شامل پنج جزیره به نام‌های جزیره ترومبلین، جزیره گلوریوز، جزیره خوان دو نوا، جزیره باساس دا ایندیا و جزیره اروپا می‌باشد، اشاره کرد. این جزایر در اطراف ماداگاسکار و در اقیانوس هند واقع شده‌اند و حق حاکمیت بر آن مورد اختلاف فرانسه و ماداگاسکار می‌باشد. این جزایر بخاطر «موقعیت جغرافیایشان در نزدیکی کانال موزامبیک و با توجه به منطقه انحصاری اقتصادی ممتازش»، از اهمیت راهبردی بالایی برای فرانسه برخوردار می‌باشند (Beyrand, 2018). طبیعت و فیزیک این جزایر هنوز بکر است و هیچ گونه دخل و تصرف انسانی در آنها صورت نگرفته است. در حال حاضر این جزایر، تحت نظارت ارتش فرانسه قرار دارد و این کشور برای انجام فعالیت‌های علمی مراکز تحقیقاتی را در آن احداث نموده است.

از دیگر اختلافات سرزمینی بین فرانسه و کشورهای حوزه اقیانوس هند می‌توان به «ادعای مالکیت موریس بر جزیره ترومبلین» اشاره کرد. همچنین، «جمهوری کومور و ماداگاسکار جزیره

^۱ - The Maritime Safety Cell

^۲ - Îles Éparses de l'océan Indien

گلوریوز» را جزو خاک خود می‌دانند. این در حالی است که کشور «ماداگاسکار به پشتیبانی آمریکا و سازمان ملل متحد، ادعای مالکیت بر جزیره خوان دو نوا، جزیره باساس دا ایندیا و جزیره اروپا» را دارد. البته، «فرانسه در سال ۲۰۰۱ با سشیل که ادعای مالکیت بر جزیره گلوریوسو را داشت» (Beyrand, 2018)، مذاکراتی را انجام داد که هم اکنون مناقشات بین این دو کشور نسبت به گذشته کمتر شده است.

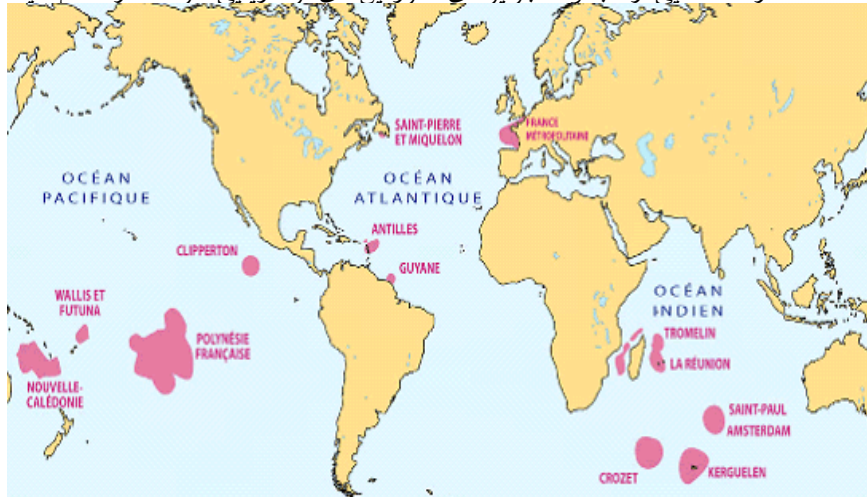
نقشه شماره ۳. مجمع جزایر ایل-پارس (جزیره ترومبلین، جزیره گلوریوز، جزیره خوان دو نوا، جزیره باساس دا ایندیا و جزیره اروپا)



Source: (Gautreau, 2018)

اقیانوس هند نه تنها برای فرانسه بلکه برای کشورهای شرق آفریقا به ویژه کشورهای جزیره‌ای این منطقه یعنی موریس، ماداگاسکار و کومور از اهمیت راهبردی زیادی برخوردار است. از طرفی دیگر، دسترسی به اقیانوس هند برای کشورهای که دسترسی به سواحل ندارند از جمله «زامبیا و ملاوی که با واسطه و از طریق بنادر اصلی کشورهای ساحلی آفریقایی در آفریقای جنوبی، موزامبیک، تانزانیا و کنیا بعنوان یک معبر ترانزیتی برای صادرات و واردات کالاهای اساسی خود از اقیانوس هند، امری ضروری است» (Al Hashemi, 2015). این شرایط باعث شده تا فرانسه با حضور نظامی خود امنیت دریایی که برای این کشورها مهم تلقی می‌شود را به حضور خود گره بزند و در نتیجه با تقویت روابط خود با کشورهای شرقی قاره آفریقا، نفوذ خود را علاوه بر کشورهای شمالی این قاره که در گذشته مورد استعمارش بودند به کشورهای شرق قاره آفریقا گسترش دهد.

نقشه شماره ۴: نمای از مجموعه جزایرهای (سرزمین‌های فرا دریایی) فرانسه در سطح دنیا



Source: (Lorgeoux et Trillard, 2012:105)

۵- راهبرد اقتصادی فرانسه در اقیانوس هند

یکی از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل مربوط به پایداری اقیانوس‌ها، دریاها و فرآورده‌های دریایی است. در نتیجه باید روشی جامع برای توسعه منابع اقیانوس‌ها، از جمله اکوسیستم‌های دریایی و مدیریت شیلات ارائه گردد. در راستای تحقق بخشیدن به این برنامه بین‌المللی، برخی از کشورها برنامه‌ریزی‌هایی را برای توسعه بهره‌برداری مناسب از منابع دریایی ملی خود انجام داده‌اند. برای مثال می‌توان به «برنامه‌های ۵ ساله چین به نام توسعه اقتصاد دریای ملی^۱ و برنامه فاکسیسا^۲ که توسط آفریقای جنوبی» با هدف تسریع در اقتصاد آبی ملی اجرا شد، اشاره نمود (Lopes, 2016).

در این ارتباط و در حوزه اقیانوس هند بی شک فرانسه که بعنوان پنجمین اقتصاد دنیا شناخته شده است، در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند با چین و هند که بترتیب اقتصاد دوم و نهم دنیا را دارند، رقیب است. این در حالی است که اکثر تحلیلگران غربی معتقد هستند که فعالیت‌های دریایی کشورهای اروپایی و آمریکایی در اقیانوس هند باعث تاثیرگذاری بر جاه طلبی‌های قدرت‌های نو ظهور (هند و چین) در این منطقه دریایی گردیده است. افزایش تجارت دریایی، به ویژه افزایش سهم دریایی این قدرت‌ها باعث پویایی روابط دو جانبه بین آنها با

^۱- National Marine Economy

^۲- Phakisa

کشورهای منطقه شده است. نتیجه چنین مشارکتی، باعث گسترش روابط تجاری چین و هند با کشورهای آفریقایی را در پی خواهد داشت که این سیاست و اقدامات این دو قدرت نو ظهور در منطقه شرق آفریقا به طور حتم منجر به چالش کشیدن قدرت و نفوذ فرانسه در کشورها آفریقایی شرقی خواهد شد. بنابراین، فرانسه برای رفع چنین چالشی، در صدد است تا «روابط خود را از طریق مشارکت در طرح‌های دریایی با کشور آفریقایی جنوبی و سایر کشورهای ساحلی اقیانوس هند» به منظور گره زدن هر چه بیشتر اقتصاد و منافع این کشورهای با اقتصاد خود گسترش دهد (Grare, 2016: 146-148).

علاوه بر موارد ذکر شده، فرانسه برای اینکه در ردیف اول اقتصاد جهان ماندگار باشد، حفظ کردن موقعیت خود در اقیانوس هند را ضروری می‌داند. پاریس برای پیشبرد این راهبرد خود به گسترش روابط فرهنگی و نظامی خود با کشورهای واقع در اقیانوس هند مبادرت ورزیده است. در نتیجه با پیش گرفتن چنین راهبردی، هم امنیت شهروندان فرانسوی ساکن در اقیانوس هند و هم امنیت مسیرهای انتقال انرژی را تضمین کرده است؛ و همچنین با اتخاذ چنین راهبردی به توسعه مناطق انحصاری اقتصادی خود در این اقیانوس کمک کرده است. در حالی که، تعداد جمعیت فرانسه در اقیانوس هند بیش از ۱ میلیون نفر بود و «اکثریت آنها در جزایر مایوت و رئونیون ساکن هستند، ولی منافع و درآمد اقتصادی فرانسه از این جمعیت و سرزمین محل استقرارشان بیشتر است». همان طور که اشاره شد، در اکثر جزایر فرانسه در اقیانوس هند، چه مسکونی یا غیر مسکونی بخصوص مجمع جزایر ایل-پارس، «تنها گروهی از نظامیان و یا گروهی از محققان جهت کارهای علمی (مانند تحقیقات در حوزه هواشناسی) مستقر هستند»، اما فرانسه می‌تواند با توجه به این حضور قانونی تا فاصله ۲۰۰ مایلی در اطراف این جزایر، از مساحت ۲۲ میلیون کیلومتر مربع اقیانوس هند، حدود ۲/۸ میلیون کیلومتر از منطقه انحصاری اقتصادی در این اقیانوس» (Bezamat-Mantes, 2014: 2) & (Galın, 2016: 79-80) بهره‌مند گردد.^۱

از طرف دیگر، آینده اقتصاد آبی کشورهای آفریقایی برای تسلط بر امور دریایی در گرو ایجاد تغییرات بالقوه در طرح‌های راهبردی است، لذا همزمان با پیشرفت‌های اقتصادی، این کشورها راهبردهای آینده خود را توسعه می‌دهند. در این شرایط، این کشورها می‌توانند با قراردادن برنامه‌های خود در مسیر همکاری منطقه‌ای با فرانسه از حداکثر ظرفیت دریایی این کشور بهره‌مند گردند. یکی از همکاری‌های منطقه‌ای این کشورها حضور در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند می‌باشد. همان طور که اشاره شد، «هشت عضو از اعضای این

^۱ - فرانسه در مجموع ۱۱ میلیون کیلومتر منطقه انحصاری اقتصادی در آب‌های آزاد جهان در اختیار دارد که پس از آمریکا در این زمینه رتبه دوم را در اختیار دارد.

اتحادیه، کشورهای آفریقایی هستند، که فرصت گفتگو و مشارکت با اعضای طرف گفت‌وگو یا ناظر این اتحادیه مانند فرانسه و آمریکا را دارند» (Attri, 2016). بنابراین، حضور فرانسه در این اتحادیه از اقیانوس هند باعث پیشبرد منافع اقتصادی و گره زدن اقتصاد کشورهای آفریقایی به اقتصاد ملی این کشور خواهد شد.

در این ارتباط از طرف فرانسه از زمان تاسیس این اتحادیه (سال ۱۹۹۷ میلادی) بخاطر داشتن سرزمین‌های مانند رئونیون و مایوت همواره در تلاش بوده است تا با ایفای نقش در این سازمان، حضور متفاوت و پررنگی داشته باشد و از طرفی دیگر نیز کشورهای ساحلی قاره آفریقا با توجه به توسعه و رشد اقتصادی خود ظرفیت تبدیل شدن به یک شریک راهبردی در منطقه برای فرانسه را دار می‌باشند که این توسعه اقتصادی برای کشورهای آفریقایی توسعه صنایع دریایی است، از این رو امنیت دریایی باید پیش شرط توسعه اقتصاد آبی این کشورها باشد. لذا مبارزه با تروریسم دریایی و دزدی دریایی گزینه‌های مناسب و به عنوان حلقه اتصال گسترش روابط بین قدرت‌های بزرگ دریایی از جمله فرانسه با کشورهای ساحلی قاره آفریقا محسوب می‌شود. در نتیجه، فرانسه هم از طریق اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند و هم به بهانه تامین امنیت دریایی در اقیانوس هند با کشورهای آفریقایی دارای ساحل در این اقیانوس روابط خود را برقرار و گسترش داده است. از طرف دیگر، پاریس این وابستگی را به گونه‌ای تعریف کرده است که این کشورهای آفریقایی جهت توسعه اقتصاد آبی پایدار خود نیازمند به برقراری رابطه با فرانسه بعنوان یک قدرت دریایی جهانی باشند.

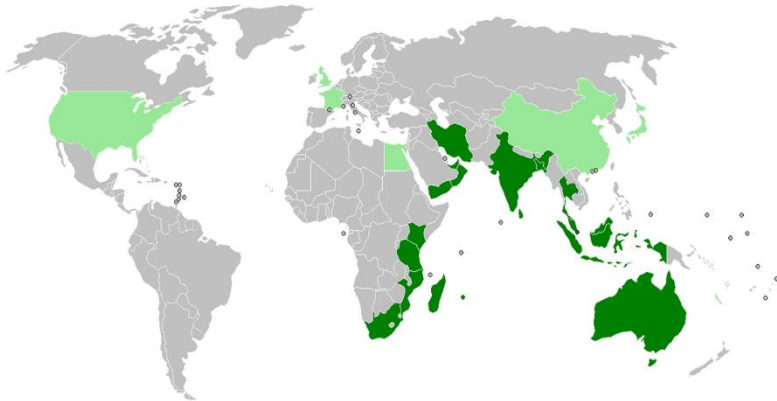
۶- راهبرد فرانسه در قبال اعضای اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند

همانطور که قبلاً اشاره شد، تلاش فرانسه برای پایدار بودن حضورش در اقیانوس هند منجر به گسترش نفوذ این کشور در منطقه خواهد شد. بنابراین، این حضور هم عامل ثبات امنیت در این منطقه شده که بالطبع آن به نفع اقتصاد پاریس است و هم اینکه این حضور باعث گسترش روابط با کشورهای در حال توسعه می‌شود که این موضوع منجر به گره زدن اوضاع اقتصادی این کشورها با اقتصاد فرانسه خواهد شد که نتیجه آن افزایش قدرت فرانسه در عرصه‌های بین‌المللی است.

در این راستا، می‌توان به «قراردادهای بازسازی تجهیزات ناوگان دریایی (نظامی و غیر نظامی) هند توسط فرانسه» (بخصوص ساخت زیردریایی) اشاره کرد. امروزه نیروی دریایی هند به دلیل پشتیبانی تجهیزاتی که از فرانسه و همکاری‌های نیروی دریایی این دو در ماداگاسکار، موریس و سشیل با هم دارند، باعث شده تا پاریس و دهلی نو روابط دیپلماتیک خود را گسترش داده و تقویت نمایند. از طرفی دیگر، چین که رقیب دهلی نو محسوب می‌شود از این موضوع عقب

نمانده است چرا که این کشور هم در صدد «تاسیس پایگاه در جیوتی و گسترش روابط اقتصادی و دیپلماتیکی خود با کشور کومور» (Beyrand, 2018) بوده است. همچنین، این دو کشور دیدگاه‌های متفاوتی بخصوص نسبت به سیاست «رشته مروارید» دارند که این موضوع منجر به افزایش تنش در بین اعضای اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند خواهد شد.

نقشه شماره ۵: اعضای اتحادیه همکاری‌های حاشیه اقیانوس هند (سبز پررنگ: اعضای اصلی. سبز فسفری: اعضای طرف گفت و گو یا ناظر).



Source: (CG Competition Point, 2019)

در این ارتباط با وجود اینکه چین بنداری را در پاکستان، بنگلادش و سریلانکا تاسیس کرده است، که قدرت دهلی نو در اقیانوس هند را به چالش کشیده شده است. اگر نگاهی به تاریخچه تاسیس اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند بیندازیم، متوجه می‌شویم که هند در کنار کشور موریس موسسان این سازمان بوده‌اند که هدف هند از تاسیس چنین سازمانی «دستیابی به جایگاه و قدرت خود در این اقیانوس بوده است، به عبارت دیگر هدف دهلی نو جلوگیری از نفوذ چین در اقیانوس هند بویژه در کشورهای همسایه هند» (Lamballe, 2017:11-۱۵) بوده است. بنابراین رشد روز افزون اقتصادی این دو کشور نو ظهور و افزایش نفوذ این دو کشور در اقیانوس هند، و از طرفی دیگر، خصومت‌های دیرینه‌ای میان این دو کشور، بی‌شک به ضرر امنیت این اقیانوس و همچنین به ضرر قدرت‌های بزرگ مانند فرانسه خواهد بود. از دیگر کشورهای عضو اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند، استرالیا است. در دوران ریاست این کشور بر این اتحادیه (۲۰۱۶-۲۰۱۴) فرانسه تلاش کرد تا بخاطر «مسئله رئونین خود را از اعضای ناظر و طرف گفتگو به عضو اصلی این اتحادیه تبدیل کند» که موفق

نگردید. با این وجود، فرانسه در تلاش است از طریق این سازمان روابط خود را با کانبرا گسترش دهد، چرا که این «دو کشور منافع مشترکی در نظارت و تامین امنیت دریایی و همچنین از همکاری‌های در اقیانوس منجمد جنوبی برخوردارند» (Grare, 2016:154-156).

از طرفی دیگر، یکی دیگر از کشورهای بزرگ عضو این اتحادیه آفریقای جنوبی است که در طی چند سال اخیر روابط بین این کشور و فرانسه بنا بر دلایلی به خوبی تقویت شده است. اولین دلیل وجود روابط گرم بین فرانسه و آفریقای جنوبی را می‌توان حمایت همه جانبه فرانسه از پرتوریا برای میزبانی از کنفرانس تغییرات آب هوایی پاریس ذکر کرد. با توجه به برگزاری یازدهمین اجلاس تغییرات آب و هوایی در شهر دوران آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۱، پاریس معتقد بود که آفریقای جنوبی با اساس تجربیات و نفوذی که در سازمان‌های متشکل از کشورهای آفریقای و گروه جی ۷۷ به همراه چین دارد، می‌تواند در تحقق آرمان‌ها و اهداف سازمان تغییرات آب و هوایی به پاریس کمک زیادی کند. دومین دلیلی که فرانسه در پی گسترش روابط تنگاتنگی با آفریقای جنوبی دنبال می‌کند، موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور آفریقای جنوبی محل تلاقی اقیانوس هند (در شرق این کشور) و اقیانوس اطلس (در غرب این کشور) می‌باشد که به این کشور پتانسیل ویژه‌ای در زمینه اقتصاد آبی می‌دهد، به طوری که «امروزه ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور از این راه بدست می‌آید» (Lopes, 2016). از طرفی دیگر این کشور هر چند در بین سایر کشورهای آفریقای وضعیت اقتصادی بهتری دارد و از حمل و نقل دریایی بهتری برخوردار است ولی هنوز نتوانسته است از پتانسیل دریایی بالای خود بهره برداری کند. بنابراین این کشور با توجه بر این که در محل تلاقی دو اقیانوس واقع شده است، می‌تواند با سرمایه گذاری بر روی ناوگان دریایی خود جایگاه اقتصادی خود را از طریق تجارت دریایی (همانند چین و هند) افزایش دهد که این یک فرصت مناسب برای همکاری و مشارکت فرانسه در طرح‌های توسعه دریایی آفریقای جنوبی محسوب می‌گردد. از دیگر اعضای اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند، می‌توان به تانزانیا و موزامبیک به عنوان دو کشور بهره‌مند از منابع فراوان و سابقه طولانی در تجارت دریایی اشاره داشت. امروزه این کشورها برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ای برای «گسترش و توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل دریایی مانند بنادر و جاده‌های ارتباطی مناطق دور دست از دریا جهت آسان سازی تجارت دریایی را در سر می‌پرورانند» (Mathelin et Verluise, 2019: 29&43). برنامه‌های توسعه زیر ساختی این دو کشور دلیل و بهانه‌ای برای نزدیک شدن فرانسه به این کشورها برای مشارکت عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی در توسعه آینده راهبرد دریایی کشورهای یاد شده فراهم نموده است.

¹ - The Parties on Climate Change in Durban

نتیجه‌گیری

از قرن ۱۷ میلادی تاکنون؛ حضور فرانسه در اقیانوس هند بسیار متفاوت بوده است: در دوران ابتدایی فرانسوی‌ها هدف از حضورشان در این اقیانوس اکتشافاتی می‌دانستند و در دوره دوم آن را استعماری و در دوره سوم هدف از حضور خود را مشارکتی و همکاری با کشورهای منطقه تعریف کردند. امروز با توجه به ظهور کشورهای نو ظهور در اقیانوس هند، مثل چین و هند، فرانسه در صدد اتخاذ راهبردی جدید برای ادامه روند حضور و نفوذ دیرینه خود در این اقیانوس است. اگر به جغرافیای اقیانوس هند نگاه کنیم، پی می‌بریم که بخشی از اقیانوس هند در شمال خط استوا یعنی در نیم کره شمالی و بخشی دیگر در نیم کره جنوبی واقع شده است از این رو راهبرد فرانسه برای تعمیق حضور در این اقیانوس نیز متفاوت است، که بطور خلاصه ایجاد امنیت و ثبات دریایی در شمال اقیانوس هند و نگهداری از سرزمین‌های فرادریایی این کشور در جنوب اقیانوس هند را می‌توان از دلایل عمده این گسترش حضور قلمداد کرد. از این رو فرانسه برای پیشبرد اهداف خود در شمال اقیانوس هند به گسترش همکاری‌های نظامی و نقش آفرینی پر رنگ‌تر با کشورهای عضو اتحادیه همکاری حاشیه اقیانوس هند با هدف اعتماد آفرینی و تکیه کشورهای عضو این اتحادیه به فرانسه جهت تامین امنیت دریایی مبادرت ورزیده است. در این ارتباط می‌توان به برگزاری رزمایش‌های سالیانه فرانسه با کشورهای حاشیه اقیانوس هند، که آخرین مورد آن در اردیبهشت سال ۱۳۹۸ برگزار شد اشاره کرد. از دیگر اهداف فرانسه از این حضور می‌توان به ایجاد امنیت و ثبات دریایی در راستای تحقق منافع فرانسه در منطقه پر تنش شمال اقیانوس هند، مشارکت دادن کشورهای حاشیه اقیانوس هند بمنظور تامین امنیت دریایی منطقه از طریق ایجاد حس اعتماد آفرینی و کنترل تردها و امنیت دریایی در راستای منافع فرانسه از طریق پایگاه دریایی جیبوتی در تنگه باب‌المندب با هدف غایی تقویت نفوذ فرانسه در منطقه اقیانوس هند شمالی اشاره داشت.

اما در تکمیل این راهبرد فرانسه در اقیانوس هند جنوبی نیز در تلاش است تا با تاسیس پایگاه‌های کوچک در جزایر ملی خود، از هر گونه ادعای کشورهای دیگر (ماداگاسکار، کومور و ...) بر این جزایر جلوگیری نموده تا با این اقدام به تثبیت حضور و بازدارندگی منطقه ای اقدام کند. در این ارتباط فرانسه سعی دارد تا با گسترش زمینه‌های همکاری‌های نظامی دریایی خود با کشورهای آفریقای شرقی، در گام اول از نفوذ قدرت‌های نو ظهور در آفریقا جلوگیری نموده و در گام دوم آینده اقتصاد کشورهای آفریقایی شرقی واقع در حاشیه اقیانوس هند را به اقتصاد خود گره بزند تا در نتیجه آن علاوه بر نفوذ در کشورهای شمال آفریقا، حوزه نفوذ خود را به شرق و جنوب شرق این قاره نیز گسترش دهد. در راستای اجرایی نمودن این راهبرد از مهمترین سیاست‌های فرانسه در این ارتباط می‌توان به حفظ و نگهداری سرزمین‌های فرادریایی در

اقیانوس هند جنوبی، تاسیس پایگاه‌های نظامی به منظور تثبیت حضور، ایجاد بازدارندگی و ممانعت از حضور قدرت‌ها در منطقه تحت سیطره فرانسه، وابسته نمودن اقتصاد دریایی کشورهای منطقه به اقتصاد فرانسه و کنترل ترددات دریایی از طریق پایگاه‌های نظامی نزدیک به کانال موزامبیک (از طریق مجمع جزایر ایل-پارس) و شرق جزیره ماداگاسکار با هدف غایی گسترش حوزه نفوذی فرانسه از شمال آفریقا به شرق و جنوب شرق آفریقا اشاره نمود.

نکته آخر آن که با توجه به راهبرد اتخاذی توسط دولتمردان فرانسه در اقیانوس هند مبتنی بر راهبرد دفاعی این کشور کارشناسان معتقدند که فرانسه نه تنها خود را به عنوان یک قدرت خارجی که وارد این منطقه (اقیانوس هند) شده است، نمی‌بیند، بلکه خود را به عنوان یک قدرت محلی در منطقه معرفی می‌کند. لذا این کشور با استفاده از دارایی‌ها و سرزمین‌های خود در اقیانوس هند، سعی در شناساندن خود به عنوان یک قدرت دموکراتیک و محلی در این منطقه دارد. در این ارتباط فرانسه تلاش می‌کند تا با حضور پررنگ‌تر و نقش آفرینی موثرتر در ساختارها و مسائل منطقه‌ای، کشورهای حاشیه اقیانوس هند را به پذیرش فرانسه در قامت یک قدرت محلی متقاعد نماید. البته قبول این معنی برای کشورها و مردمان حاشیه اقیانوس سخت است از این رو فرانسه سعی دارد تا با استفاده از نظریه روایت استراتژیک، با تغییر مبانی شناختی از حضور فرانسه و پایان دادن به نگرانی‌ها از این حضور در قالب مباحث مربوط به گفتمان استراتژیک و هویت‌سازی مجدد (از کشوری بیگانه و استعمارگر به کشور محلی و همکار) به حضور خود مشروعیت بخشیده تا بتواند قدرت دیرینه خود را در عرصه جهانی احیاء و از یک قدرت متوسط به قدرت جهانی تغییر جایگاه دهد.

منابع

- اعظمی، هادی و فرشته منش، طیبه (۱۳۹۱)، «نیروی دریایی راهبردی و توسعه سواحل مکران»، **همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران**، دوره ۱، کد مقاله: ۱۱۶۹، بازیابی شده در تاریخ ۳ مرداد، در:

<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=40860>

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، **اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک**، مشهد: پاپلی.
- جکسون، رابرت و سورنسون، گنورک (۱۳۹۴)، **درآمدی بر روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رهیافت‌ها**، ترجمه مهدی ذاکریان و همکاران، تهران، نشر میزان، دفتر دوم.
- سهیلی‌نجف‌آبادی، سهیل و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر سیاست‌های نظامی بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، ۱۶(۱)، ۱۵۵-۱۸۲.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۰)، **ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران: انتشارات سمت.
- کاظمی، سیدسجاد و حیدری، سجاد (۱۳۹۸)، «محاكمه متهمان دزدی دریایی در دادگاه کیفری

References (in English)

- Al Hashemi, Mohammed (2015), "Seychelles: The world's first "Blue Economy" enters the investment spotlight", *The National (UAE)*, accessed 7 January 2020, at: <http://www.thenational.ae/business/economy/seychelles-the-worlds-first-blue-economy-enters-the-investment-spotlight>,
- Attri, V.N. (2016), "Growing strength of the Indian Ocean Rim Association and emerging global development paradigms", *The Human Sciences Research Council*, accessed 7 January 2020, at: <http://www.hsra.ac.za/en/events/seminars/growing-strength-iora>
- CG Competition Point (2019), "Bilateral and Regional Groups: Indian-Ocean Rim Association (IORA)", *La Site de CG Competition Point*, accessed 7 January 2020, at: <http://cgcompetitionpoint.in/2019/05/19/bilateral-and-regional-groups-indian-ocean-rim-association-iora/>
- Dempsey, Judy (2019), "France's Strategic Footprint in the Indian Ocean", *Carnegie Europe*, accessed 8 January 2020, at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/79116>
- Lopes, Carlos (2016), "Africa's Blue Economy: An Opportunity Not to be Missed", *UNECA (UN Economic Commission for Africa)*, accessed 7 January 2020, at: <http://www.uneca.org/es-blog/africa%E2%80%99s-blue-economy-opportunity-not-be-missed>
- Miskimmon, Alistair; O'Loughlin, Ben and Roselle, Laura (2015), "Strategic Narratives: Response", *Critical Studies on Security*, 3(3), 341-344.
- New World Encyclopedia (2019), "Portuguese Empire", *New World Encyclopedia*, accessed 7 January 2020, at: https://www.newworldencyclopedia.org/entry/Portuguese_Empire
- Rajagopalan, Rajeswari Pillai (2020), "What's Behind the Rising India-France Maritime Activity in the Indo-Pacific?", *The Diplomat*, accessed 8 January 2020, at: <https://thediplomat.com/2020/03/whats-behind-the-rising-india-france-maritime-activity-in-the-indo-pacific/>
- Saint-Mézard, Isabelle (2015), "The French Strategy in the Indian Ocean and the Potential for Indo-French Cooperation", *S. Rajaratnam School of International Studies*

(RSIS): accessed 20 January 2020, at: <https://www.rsis.edu.sg/rsis-publication/idss/the-french-strategy-in-the-indian-ocean-and-the-potential-for-indo-french-cooperation/#.XwIuVvjXLIV>

- Van Noort, Carolijn (2019), "Seeking strategic narrative alignment: the case of BRICS and Brazil on the issue of infrastructural development", *Revista Brasileira de Política Internacional*, Vol. 62, No. 1, <http://dx.doi.org/10.1590/0034-7329201900110>

Les Références (en Français)

- Beaujard, Philippe (2012), **Les Mondes de l’océan Indien, L’océan Indien au Cœur des Globalisations de L’ancien Monde**, Tome 2, Paris : Armand Colin.

- Beyrand, Pierre-Olivier (2018), "Les bases françaises dans l’Océan Indien, nouveau pilier de la stratégie indienne?", **Le Site de Portail-ie**, Consulté le 1 janvier 2020, at: <https://portail-ie.fr/analysis/1790/les-bases-francaises-dans-locean-indien-nouveau-pilier-de-la-strategie-indienne>

- Bezamat-Mantes, Charlotte (2014), "Géopolitique de l’Océan indien", **Diploweb.com : La Revue Géopolitique**, Consulté le 3 janvier 2020, at: <https://www.diploweb.com/Geopolitique-de-l-Ocean-indien.html>

- Galin, Rémi (2016), "Le Renouveau Minier Français Et Les Matières Premières Stratégiques", **Responsabilité et Environnement**, /2 N° 82 | pages 77 à 80.

- Gautreau, Damien (2018), "La France, Puissance Stratégique De L’océan Indien", **le site de boulevard-exterieur**, Consulté le 3 janvier 2020, at: <https://www.boulevard-exterieur.com/Les-territoires-francais-de-l-Ocean-indien.html>

- Grare, Frédéric (2016), "Océan Indien : Le Rapprochement Stratégique Indo-australien", **Politique étrangère**, /3 Automne | pages 145 à 156.

- La Site D'elysee (2018), "Transcription du discours du Président de la République, Emmanuel Macron, sur la Nouvelle-Calédonie à Nouméa", **La site d'elysee**. Consulté le 13 Janvier 2020, at: <https://www.elysee.fr/emmanuel-macron/2018/05/05/discours-du-president-de-la-republique-emmanuel-macron-sur-la-nouvelle-caledonie-a-noumea>

- Lagneau, Laurent (2019), "L’Inde va créer un poste de chef d’état-major des armées", **le Site de opex 360**, Consulté le 1 janvier 2020, at: <http://www.opex360.com/2019/08/16/linde-va-creer-un-poste-de-chef-detat-major-des-armees/>

- Lamballe, Alain (2017), “L’Inde, puissance mondiale?”, **Diploweb.com : la revue géopolitique**, Consulté le 15 janvier 2020, at: <https://www.diploweb.com/L-inde-puissance-mondiale.html>
- Lecuyer, Ariane & Vaillant, Jokin (2014), “Panorama historique de la présence française dans l’océan Indien”, **Centre d’études supérieures de la Marine**, Consulté le 1 Janvier 2020, at: <https://cesm.marine.defense.gouv.fr/index.php/publications/cargo-marine/362-cargo-1-14-panorama-historique-de-la-presence-francaise-dans-l-ocean-indien>
- Lorgeoux, Jeanny & Trillard, André (2012), “Maritimisation : La France Face à La Nouvelle Géopolitique des Océans”, **La Site de Senat**, Consulté le 1 janvier 2020, at: <https://www.senat.fr/rap/r11-674/r11-6741.pdf>
- Mathelin, Julie & Verluise, Pierre (2019), “Actualité des Revues géopolitiques”, **Diploweb.com : La Revue Géopolitique**, Consulté le 1 janvier 2020, at: <https://www.diploweb.com/Actualite-des-revues-geopolitiques,360.html>
- Ministère Des Armees (2019), “La France et la Sécurité en Indopacifique”, **Le site de Ministère des Armées**, Consulté le 13 Janvier 2020, at: <https://www.google.com/url?client=internal-elementcse&cx=000099632563255980218:ez8u8kpn88k&q=https://www.defense.gouv.fr/layout/set/print/content/download/532751/9176232/version>
- Numa, Jean-Pierre (2018), “Océan Indien: étude Géopolitique et Stratégique des Flux Maritimes, Risques et Menaces”, **Diploweb.com : La Revue Géopolitique**, Consulté le 1 janvier 2020, at: <https://www.diploweb.com/Ocean-Indien-etude-geopolitique-et-strategique-des-flux-maritimes-risques-et-menaces.html>
- Roger-Lacan, Véronique (2012), “Lutte Contre La Piraterie, Facteur Structurant De Sécurité En Océan Indien ?”, **La Revue de Hérodote**, /2 n° 145 | pages 118 à 128.
- Tyl, Marie (2013), “Présence Militaire Française et Stratégie de Défense Dans L’ouest de L’océan Indien : Quelles Orientations Pour Le XXIème siècle”, **Centre d’études Supérieures de La Marine**, Consulté le 3 janvier 2020, at: <https://cesm.marine.defense.gouv.fr/index.php/publications/cargo-marine/355-cargo-3-13-presence-militaire-francaise-et-strategie-de-defense-dans-l-ouest-de-l-ocean-indien>